

ارائه الگویی برای تبیین چالش‌های جهانی شدن

مهدی نداف

دکترای تخصصی مدیریت رفتار سازمانی، عضو هیئت علمی و مدیر گروه مدیریت، دانشگاه شهید چمران اهواز
Nadaf.mahdi@gmail.com

مهتا جودزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه شهید چمران اهواز
Mahta_joodzadeh@yahoo.com

حاضر به بررسی چالش‌ها (فرصت‌ها و تهدیدها) پدیده جهانی شدن می‌پردازد و بنابراین بسته به نوع دیدگاه‌های موجود، رویکردی گفتمانی و تفسیری به دو طیف موافقان و مخالفان (این پدیده) دارد. جهانی شدن و مسایل مرتبط به آن حدود سه دهه است که مطرح شده است و توجه بسیاری را نیز به خود جلب نموده است. نظر به اهمیت و تأثیرگذاری این پدیده، مطالعات بسیار متعدد و متنوعی ملاحظه می‌شوند که هر کدام از زاویه و چشم‌انداز ویژه‌ای پدیده را مورد مذاقه قرار داده‌اند و به نظر می‌رسد، نوعی پراکندگی گسترده در این بخش از مطالعات اجتماعی وجود دارد. لذا در مقاله حاضر سعی بر آن است تا با ارائه الگویی نسبتاً جامع و مانع از چالش‌های جهانی شدن (فرصت‌ها و تهدیدها) ارائه گردد، تا بتوان با عنایت به آن درک بهتر و عمیق‌تری از این پدیده حاصل نمود، بدون آن که نیاز باشد تا جمیع مطالعات صورت گرفته در این حوزه بررسی شوند.

جهانی شدن / رقابت جهانی / حاکمیت جهانی / ارتباطات

جهانی

چکیده

رفاه، امنیت و آینده همه مردم و ملل به طرز تفکیک ناپذیری به مسایل جهانی شدن گره خورده است و این مورد از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است: از لحاظ اشکال پول در جهان، شبکه‌های جهانی غذا و اندوخته مواد خام، همچنین از نظر مشاغل و وسایل امرار معاش که مرتبط با شرکت‌های خارجی، بازارها، فناوری‌ها و عناصر سازنده آن‌ها می‌باشد. نظام‌های قومی و ملی و مذهبی، امروزه به واسطه جهانی شدن به طور فزاینده‌ای در حال گسترش و در هم آمیختن می‌باشند. همچنین مشکلاتی که ما به عنوان افراد و گروه‌ها یا جوامع با آن‌ها مواجه هستیم، بیش از پیش عوامل جهانی مشترک دارند و نیازمند راه حل‌های مشترک و جهانی می‌باشند. جهانی شدن علت نیست، معلول است. مقاله

بسیاری از شرکت‌ها با استفاده از تکنولوژی ارتباطات بی سیم توانستند همراه با موج جهانی شدن پیش بروند و ارتباطات خود را در مقیاس جهانی تقویت کنند. استفاده از تکنولوژی ارتباطات بی سیم توانست در موفقیت شرکت‌ها نقش خود را به خوبی ایفا کند، چرا که باعث توسعه روابط و ارتباطات تجاری شرکت‌ها با گستره وسیعی از بنگاه‌ها و سازمان‌های تجاری و غیر تجاری شد. [۲]

جهانی شدن به فرآیندی اشاره دارد که اقتصادها و جوامع مختلف به یکدیگر بسیار نزدیک شده و یکپارچه می‌شوند و با افزایش گسترده جهانی شدن هم زمان می‌شوند. اخیراً تحقیقی توسط ریهر، گاستون و مارتنز (Dreher, Gaston, and Martens 2008) در سال ۲۰۰۸ انجام شده است که نشان می‌دهد چندین یافته تجربی اثر جهانی شدن را بر رشد، مالیات، هزینه‌های دولت، نابرابری در داخل کشور، تشکیل اتحادیه و محیط زیست، نشان می‌دهند [۳]. مباحثات پیرامون جهانی شدن آن قدر گسترده، پراکنده و متنوع هستند که قبل از ورود به بحث لازم است چند نکته ذکر شود تا حدود و رویکرد کلی این نوشتار مشخص گردد:

- از آن جا که کشور ایران در زمره کشورهای در حال توسعه طبقه‌بندی می‌شود، بیشتر تحلیل‌هایی که در این بخش آورده می‌شوند، اختصاص به جوامع در حال توسعه (در مقابل توسعه یافته) دارد، زیرا در بسیاری موارد تأثیرات دوگانه و متفاوتی از پدیده‌های مختلف بر این دو گروه دیده می‌شود.

- در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا با دسته‌بندی بخش‌های گوناگون جوامع در سه بخش کلان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (اجتماعی) نظم خاصی به تحلیل‌ها داده شود. چرا که در تحلیل‌های جهانی شدن به قدری پراکندگی و گستردگی وجود دارد که بدون چنین دسته‌بندی‌هایی مخاطب دچار سردرگمی و ابهام می‌گردد. اما به هر حال تأکید کلی این تحقیق، رویکرد سیاسی-اقتصادی دارد.

- اساساً پدیده جهانی شدن مانند بسیاری از پدیده‌های

جهانی شدن، واژه‌ای است که امروزه در بسیاری از موارد با آن روبرو می‌شویم و با بررسی رسانه‌های صوتی و تصویری می‌توان به این مسئله پی برد؛ در واقع مواجهه با مسئله «جهانی شدن» به یک امر اجتناب ناپذیر تبدیل شده و تمامی افراد جامعه در هر سطح از زندگی و آگاهی، به نوعی با این مسئله مواجه هستند. فرآیند جهانی شدن فرآیندی متناقض است که مملو از فرصت‌ها و خطرات می‌باشد. جهانی شدن اجتماعات محلی دولت-ملت را در هم فشرده می‌کند و از طرفی هم آن‌ها را رهایی می‌بخشد، در این حالت پاره‌ای از باورها و ارزش‌های فرهنگی این امکان را یافته‌اند که جهانی و همگانی شوند و در عرصه‌های مختلف بروز پرننگی داشته باشند. در حالی که در گذشته چنین امکانی وجود نداشت. در عین حال در مقابل این امکان، بعضی از افراد و گروه‌های اجتماعی احساس می‌کنند که فرآیند جهانی شدن به نوعی به تضعیف و فروپاشی باورهای اعتقادی و فرهنگی آن‌ها منجر می‌شود. جهانی شدن گاهی موجب می‌شود تا امکانات جدیدی در اختیار گروه‌های محلی قرار گیرد تا برای آن‌ها امکان طرح درخواست‌های جدید فراهم شود. مثلاً برخی از جنبش‌ها در اثر استفاده از این امکانات شکل گرفته‌اند. [۱]

در دهه ۱۹۹۰ پدیده جدیدی به نام «تولد شرکت‌های جهانی» به وجود آمد. در این وضعیت بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط شروع به ایجاد فرآیندهای جهانی نمودند که این مسیر به نوبه خود از مسیر سنتی نوعی انحراف محسوب می‌شد. طبق مدل «پله کانی» ابتدا شرکت‌ها در بازارهای داخلی فعالیت می‌کنند، اما پس از مدتی شروع به وارد شدن در بازارهای کشورهای همسایه می‌کنند و سپس کار خود را به سایر کشورها نیز توسعه می‌دهند؛ اما زمانی جهانی می‌شوند که بتوانند در بازارهای سایر کشورها وارد شوند. بنابراین جهانی شدن به معنی توسعه ویژه شرکت خارج از محل استقرار خود است در حالی که بین‌المللی شدن به توسعه خارجی با تکیه بر محل استقرار خود می‌باشد. در شرایطی که جهانی شدن می‌رود تا توسعه یابد،

اجتماعی دارای ماهیتی دو گانه یا چند گانه و چند بعدی بوده [۴] و لذا بسیار پیچیده هستند و می‌توان از رویکردهای مختلف به آن نگریست. به این معنی که هر کدام ممکن است در دو شرایط مشابه، اثرات متفاوتی بر جای گذارند. برای مثال از جمله شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد، میزان آزادسازی (به معنی سهم واردات در تولید ناخالص داخلی) بخش‌های مختلف بازارها مانند بازارهای مبادله کالاها و خدمات، بازارهای مالی و ... می‌باشد [۵]؛ با ذکر شواهدی نشان می‌دهد که علی‌رغم این که آزادسازی مالی موجب کاهش فساد می‌شود اما در برخی جوامع به دلایلی نظیر جوان بودن مردم سالاری، نوع سیستم رای‌گیری و انتخابات و ... آزادسازی موجب افزایش فساد شده است [۶] در حالی که منتقدان جهانی شدن می‌گویند فشارهای رقابتی ناشی از جهانی شدن موجب کاستن از استانداردهای کاری و کارگری برای باقی ماندن در فضای رقابتی یا جذب سرمایه خارجی شده‌اند طرفداران جهانی شدن بر این باورند که جوامعی که بیشتر در روند جهانی شدن ادغام شده‌اند، احتمالاً استانداردهای بالاتری را اعمال می‌کنند. این تحقیق نیز به چالش‌ها (فرصت‌ها و تهدیدها) پدیده جهانی شدن می‌پردازد و بنابراین بسته به نوع دیدگاه‌های موجود، رویکردی گفتمانی و تفسیری به دو طیف موافقان و مخالفان دارد. به عبارت دیگر تلاش می‌شود گفتمان و نحوه معنی‌دادن این دو گروه به پدیده جهانی شدن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. همگرایی با پدیده جهانی شدن ممکن است موجب ارتقا منافع ملی کشور شود و ممکن است این منافع را به مخاطره بیفکند و این امر بستگی تام به توانایی‌ها و قابلیت‌های سیاست‌گذاران (خط مشی‌گذاران) هر جامعه‌ای دارد که از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش آمده چگونه بهره‌برداری کنند. در طول مدت مطالعات انجام شده به نظر آمد که موافقان همگرایی با جهانی شدن در موضع برتری قرار داشته و از استدلال‌های منطقی‌تر و شواهد دقیق‌تر و صحیح‌تری

برخوردارند.

- چالش‌های جهانی شدن بسیار مهم‌اند و تأثیر بسیاری بر سیستم سیاست‌گذاری در جوامع گوناگون داشته‌اند. در واقع نوع رویکرد به جهانی شدن، یکی از مهم‌ترین متغیرهای موثر، بر سیاست‌گذاری کشورها است. برای مثال در تبیین نظرات سیاست‌گذاران به جهانی شدن، بهکیش [۷] معتقد است برای سیاست‌گذاران OECD به عنوان بهترین نمونه از کشورهای توسعه یافته، فرصت‌ها و چالش‌های جهانی شدن پراهمیت‌ترین موضوع برای سیاست‌گذاری است. برخی از وظایفی که سیاست‌گذاران OECD انجام می‌دهند: (۱) طراحی سیاست‌هایی که جهانی شدن را ترویج می‌کند و تسهیل انطباق و سازگاری با آن، که وظیفه اصلی کشورهای OECD است؛ (۲) قواعد بازی و راهکارهای سیاست‌گذاری مناسب برای جهانی شدن را تهیه و در اختیار یکدیگر قرار دهند [۷]. سریع‌القول [۸] نیز بر این باور است که «میان زمان اجماع قانون‌های قدرت [سیاست‌گذاران] در یک کشور درباره تعامل بین‌المللی [و جهانی] و میزان رشد عمومی آن کشور ارتباطی مستقیم وجود دارد. بدون این تعامل نمی‌توان رشد کرد. ژاپنی‌ها در سال ۱۸۷۰، چینی‌ها در سال ۱۹۷۰ و روس‌ها از سال ۱۹۹۱ متوجه این بعد شده و بر روی آن به اجماع رسیدند».

۱. بیان مسئله

در تمدن «اقتصاد زده» قرن بیست و یکم، یکی از مهم‌ترین و با نفوذترین دستاوردهای بشریت، پدیده جهانی شدن است که به مدد توسعه بی‌سابقه و شگفت‌انگیز فناوری ارتباطات و اطلاعات، بیش از پیش ابعاد گسترده‌تری یافته است. پیشروان این فراگرد در حال بلوغ، با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به پیش می‌روند و بی‌رحمانه بازماندگان از این قافله را تنها می‌گذارند. قرن ۲۱ قرن جهانی شدن خواهد بود [۹] چه بپذیریم و چه نپذیریم. جهانی شدن یک ایدئولوژی نیست که باید‌ها و نبایدها را تعیین کند و بنابراین دوستان و دشمنان دایمی

و همیشگی داشته باشد، بلکه به سادگی مرحله‌ای تأثیرگذار در سیر تکاملی تمدن امروزی بشری است. این سیر در گذشته، به گونه‌ای دیگر طی شده و امروزه نیز بدین صورت درآمده است؛ در آینده نیز قطعاً تغییر خواهد کرد. با ذکر شواهد متعدد، Matei [۱۰] معتقد است این پدیده اجتماعی برای بیش از بیست سال ذهن انبوهی از اندیشمندان و صاحب‌نظران رشته‌ها و تخصص‌های مختلف را به خود مشغول کرده است [۳۳]. همچنین در گزارشی کمیسیون اروپا بیان می‌کند که در ۳۰ سال گذشته جهانی شدن تغییرات اساسی در ساختار بین‌المللی ایجاد نموده است [۱۱]. در بررسی پدیده جهانی شدن توجه به برخی سوالات اساسی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد:

- آیا جهانی شدن یک پدیده جدید و نوظهور است یا این که از قدیم هم وجود داشته و صرفاً شکل آن عوض شده است؟
- آیا اساساً چیزی به نام و با ماهیت جهانی شدن وجود دارد؟ یا همه چیز به سادگی «هیاهوی بسیار برای هیچ» است؟
- آیا جهانی شدن نام و پوششی دیگر برای غربی شدن و امریکایی شدن است؟
- آیا جهانی شدن یک پروسه است یا یک پروژه؟
- چه جامعه‌ای جهانی شده و چه جامعه‌ای در مقابل آن (منزوی) است؟ آیا مرزبندی مشخص وجود دارد یا همه چیز نسبی و حدودی است؟
- در زمینه اقتصادی، آیا جهانی شدن موجب ازدیاد فقر و نابرابری شده یا آن را کاهش داده است؟
- در زمینه سیاسی، آیا جهانی شدن سبب فرسایش و از بین رفتن اقتدار ملی حکومت‌ها می‌شود یا این که معنا و تعریف نوینی برای حاکمیت‌های ملی دارد؟ آیا برقراری امنیت پدیده‌ای جهانی شده است؟
- در زمینه فرهنگی، آیا جهانی شدن سبب اضمحلال تدریجی فرهنگ‌های بومی شده و یکسانی فرهنگی را به ارمغان می‌آورد یا بالعکس موجب غنای فرهنگ‌ها در

برخورد با یکدیگر شده و تنوع و چندگونگی فرهنگی را سبب می‌گردد؟

۲. اهمیت موضوع

جهانی شدن فرآیندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و با نوگرایی و توسعه سرمایه‌داری هم زمان بوده و از همان زمان تأثیرات آن رو به فزونی بوده است، اما اخیراً شتابی ناگهانی در آن پدیدار شده است. جهانی شدن یک فرآیند متاخر است که با سایر فرآیندهای اجتماعی نظیر فراصنعتی شدن و فرانوگرایی یا شالوده‌شکنی سرمایه‌داری همراه است. هیچ کشوری در شکل دادن جهانی شدن و چگونگی آن، بیش از آمریکا نفوذ ندارد؛ اما اقتصاد جهانی ماکت بزرگ اقتصاد موجود آمریکا نخواهد بود. موج کنونی جهانی شدن از اعمال سیاست‌های دولتی برخاسته است. اسباب مشارکت در اقتصاد جهانی: آموزش و پرورش زیربنا، و امنیت جانی و مالی است که می‌بایست توسط هر کشوری فراهم شود. اقتصاد منزوی موفق در هیچ جای دنیا وجود ندارد. جهان در کانون سه انقلاب هم‌زمان قرار گرفته است. انقلاب اول مجموعه‌ای از فناوری‌های جدید است که انقلاب صنعتی سوم نامیده می‌شود. انقلاب دوم، فناوری‌های جدید ارتباطات است که در انقلاب صنعتی سوم به‌وجود می‌آیند، این موارد ایجاد اقتصاد جهانی را ممکن و شاید ناگزیر می‌سازند. در انقلاب سوم، بیشتر کشورهای جهان میراث کمونیستی یا سوسیالیستی خود را کنار می‌گذارند و به اقتصاد سرمایه‌داری (کاپیتالیستی) رو می‌آورند. اثرات انقلاب صنعتی سوم و اثرات جهانی شدن با یکدیگر اشتباه می‌شوند. جهانی شدن علت نیست، معلول است. در بجنوحه انقلاب‌های فناوری، کشورهای ثروتمندی که بخواهند ثروتمند بمانند، باید از نظر فناوری در بعضی زمینه‌ها پیش‌تاز باشند. کشورهای فقیر آن‌هایی هستند که در فرآیند جهانی شدن کنار گذاشته می‌شوند. هر سه انقلاب هم‌زمان، شکاف بین طبقه وسط و طبقه بالا را عمیق‌تر می‌سازند، و شگفت آور آن که تهی‌دستان برعکس فاصله خود را با طبقه وسط حفظ می‌کنند [۱۲]. بنابراین ما در دنیای کنونی در شرایطی قرار داریم که می‌بایستی در مورد آن از آگاهی نسبی

برخوردار باشیم؛ چون ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، رفاه، امنیت و آینده همه مردم و ملل به طرز تفکیک‌ناپذیری با مسایل جهانی شدن گره خورده است. چه از لحاظ اشکال پول در جهان، شبکه‌های جهانی غذا و اندوخته مواد خام، چه از نظر مشاغل و وسایل امرار معاش که مرتبط با شرکت‌های خارجی، بازارها، فناوری‌ها و عناصر سازنده آنها است. به این ترتیب نظام‌های قومی، ملی و مذهبی، امروزه به طور فزاینده‌ای در حال گسترش و در هم آمیختن می‌باشند. هر چند ما تسلط چندانی بر این فرآیند نداریم، اما با ارائه نگرشی روشن نسبت به این موضوع می‌توانیم ذهن مخاطبان را روشن سازیم. همچنین مشکلاتی که ما به عنوان افراد و گروه‌ها یا جوامع با آنها مواجه هستیم، بیش از پیش عوامل جهانی مشترک دارند و نیازمند راه‌حل‌های مشترک و جهانی‌اند. مثلاً جمعیت چند میلیاردی کره زمین که غیر آمریکایی هستند چطور می‌توانند با همکاری یکدیگر خطراتی که حاصل ذهنیت بنیادگرایانه دولت آمریکا می‌باشد را خنثی کنند. خطراتی که از طریق تحمیل گونه‌ای نولیبرال از سرمایه‌داری مطلق بر تمام دنیا وجود دارد که البته از نظر اجتماعی غیرقابل اجرا می‌باشد، را به جهانیان وارد می‌کند. خطراتی که این دولت با تحمیل نوعی اخلاق و آزادی فردگرایانه و مختص خود، از طریق تهدید اقتصادی و نظامی به وجود می‌آورد. دیگر کافی نیست که ما به همان شیوه گذشته به زندگی خود ادامه دهیم. چون جهانی شدن همه ما را فرا گرفته نه به عنوان تنها یک فرآیند، بلکه به عنوان یک موضوع گفتگو. موضوعی که همگان به آن مربوط و از آن متاثرند [۱]. لذا احساسات ضد جهانی شدن از نیاز به مدیریت امور جهانی و نیز بیم از حکومت جهانی سرچشمه می‌گیرد. واقعیت این است که جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن سیاسی می‌طلبد. جهانی شدن چیزی نیست که دولت‌ها سرعت سیر وقایع آن را تعیین کنند. واقعیت این است که توسعه اقتصادی امروز به توانایی جلب سرمایه‌گذاری خارجی بستگی دارد. همان طور که چین و آفریقای سیاه نشان داده‌اند، فوت و فن توسعه شناخته شده است. کشورها باید بتوانند فوت و فن‌ها را اجرا کنند [۱۲].

۳. مبانی نظری

واژه جهانی شدن معادل کلمه Globalization است. بهکیش [۷] معتقد است واژه جهانی (Global) بیش از چهارصد سال عمر دارد ولی استفاده عمومی از واژه‌هایی چون جهانی شدن، جهانی کردن (Globalize) و در حال جهانی شدن (Globalizing) تقریباً تا دهه ۱۹۶۰ شروع نشده بود. وی همچنین بر این باور است که مفهوم جهانی شدن در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به طور جدی وارد فضای علمی گردید و اوج فعالیت‌های علمی در این زمینه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ بوده است. مانند هر پدیده اجتماعی و علمی و بسته به دیدگاهی خاص، تعاریف متنوعی از جهانی شدن به عمل آمده است. در یک تعریف جامع و مشروح، جهانی شدن بدین صورت بیان شده است: فراگردی که طی آن ارتباط و پیوستگی متقابل جهانی در همه جنبه‌های زندگی معاصر امروزی در حال گسترش، تعمیق و تسریع است [۱۳]. همچنین بهکیش پس از انجام یک جمع‌بندی نسبتاً جامع از تعاریف عمدتاً اقتصادی جهانی شدن، تعریف اقتصاد محور خود را چنین ارائه می‌نماید: «جهانی شدن را می‌توان فراگردی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کم رنگ‌تر می‌شود و تحرک روز افزون منابع، تکنولوژی، کالا، خدمات، سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها سهل‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد» [۷].

۴. تعاریف جهانی شدن

- «جان تالینسون» در تعریف جهانی شدن می‌گوید: «جهانی شدن، در فرآیند توسعه سریع پیوندهای پیچیده میان جوامع، فرهنگ‌ها، نهادها و افراد در تمامی نقاط جهان معنا پیدا می‌کند.»

- «هاروی» جهانی شدن را متضمن دو عنصر «فشرده‌گی در زمان و مکان» و «کاستن از فاصله‌ها» می‌داند. به نظر می‌رسد از یک دید کلی، جهانی شدن را بتوان چنین معنا کرد: همکاری آگاهانه و یا الزامی ملت‌ها، دولت‌ها و

فرهنگ‌ها جهت زیستن در یک دهکده کوچک جهانی و محیطی رقابتی [۱۲].

- از نظر «مک‌گور» «جهانی شدن» یعنی افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها دامن می‌گستراند و نظام جدید جهانی را می‌سازد. جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین در بر داشته باشد. از طرفی آنتونی گیدنز «جهانی شدن» را یک رشته فرآیندهای پیچیده می‌داند که نیروی محرک آن را ترکیبی از تأثیرات سیاسی و اقتصادی تشکیل می‌دهند و جهانی شدن در عین حال که نظام‌ها و نیروهای فرا ملی جدیدی را به وجود می‌آورد، زندگی روزمره را به ویژه در کشورهای توسعه یافته تغییر می‌دهد. همچنین گیدنز «جهانی شدن» را تنها زمینه برای سیاست‌های معاصر نمی‌داند و معتقد است که «جهانی شدن نهادها و جوامعی را که در آن زندگی می‌کنیم، دگرگون می‌سازد».

- مارتین آلبرو، از دیگر نظریه پردازان پدیده «جهانی شدن»، این پدیده را به فرآیندهایی که براساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند، تعریف می‌کند. همچنین آمانوئل ریشتر، «جهانی شدن» را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که طی آن اجتماعاتی که پیش از آن در کره خاکی دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند [۱۴]. جهانی شدن یا جهانی‌سازی گرچه در معنی و مفهوم متفاوتند اما هر دو فرآیندی مشابه و همسو را رقم می‌زنند و در نتیجه به یکسان‌سازی، اتحاد کوچک‌سازی و ارتباط بیشتر ملت‌ها منتج می‌شوند، اما توسعه ارتباطات ملت‌ها در قالب فعالیت‌های علمی، آموزشی، صنعتی، توریستی و... از یک سو تأثیرات زیادی بر فرآیند فعالیت لایه‌های تشکیل دهنده خرده فرهنگ‌ها ایجاد و از سویی دیگر مفاهیم جدیدی برای ملت‌ها و

کشورها ترسیم خواهد نمود. همچنین، اثرگذاری یک سویه فرهنگ و سلطه غرب در این شرایط مورد نظر است؛ در واقع فرهنگ مانند ترافیک یا ژنتیک عمل نمی‌کند که دارای مسیر یک طرفه یا تأثیر جزء می‌باشد بلکه برخی از وقایع جهانی از تأثیرگذاری فرهنگ غرب و شرق بر یکدیگر حکایت دارند. از منظر «جهانی شدن» صاحب‌نظران معتقدند که این رویکرد به معنی یکپارچه شدن جهان نیست بلکه فرآیند جهانی شدن یک فرآیند تفکیک‌ساز است و چون همه چیز به صورت یکدست و یکپارچه توسعه نمی‌یابد، پس پیامد آن اجتناب‌پذیر و خطرناک نیست. همچنین پدیده جهانی شدن در عرصه فرهنگ منجر به یکنواختی و همسانی فرهنگ‌ها نمی‌شود بلکه بستر لازم را برای بروز فرهنگ‌های جدید و متنوع فراهم می‌سازد [۱۵].

Matei [۱۰] به نقل از (Appadurai, 1990) جهانی شدن را بر اساس ماهیت، یک چشم‌انداز می‌داند که دارای نماهای (لایه‌ها) گوناگونی است: نمای تکنولوژیکی (شبکه‌های جهانی متنوع و متعدد ارتباطات از راه دور)، نمای رسانه‌ای (جریان محتواها و نمادها شامل فیلم‌ها، کتاب‌ها، موسیقی و آواها و نظایر این‌ها)، نمای قومی - قبیله‌ای (جریان‌های افراد نظیر گردشگران، پناهندگان، مهاجران و استعمارگران جدید)، نمای ایدئولوژیک (جریان‌های ایدئولوژیک کنش‌گرا مانند محیط زیست گرایان، فمینیست‌ها، سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها، نئولیبرال‌ها، بنیادگرایان مذهبی و مانند این‌ها). Njoh [۱۶] معتقد است صاحب‌نظران از رشته‌های مختلف دیدگاه‌های گوناگونی درباره جهانی شدن دارند. برای مثال برخی جامعه‌شناسان، جهانی شدن را رشد ارتباطات و پیوندها میان جوامع در مقیاس سراسری در دنیا تعبیر می‌کنند [۱۷]. اما از نظر اقتصاددانان، جهانی شدن دربرگیرنده تعاملات اقتصادی با مقیاس جغرافیایی در سطح کلان می‌باشد. به تعاریف فوق می‌توان تعاریف متنوع و متعدد دیگری نیز اضافه نمود اما به نظر می‌رسد از این تعاریف و این که ماهیت جهانی شدن را اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی بدانیم، مهم‌تر این است که تأثیر گسترده و عمیق همگرایی با این پدیده

در تقابل با وضعیت عدم همگرایی و مخالفت با آن درک و شناخته شود و روند گسترش و رشد آن در آینده نیز تشخیص داده شود. در این بخش به طور خلاصه، چالش‌های پدیده جهانی شدن از سه بعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بررسی شده و چکیده دیدگاه‌های موافقان و مخالفان نیز بیان می‌شود. هرچند در بررسی‌ها مشخص گردید که دیدگاه مخالفان بسیار ابهام‌آلود و مشوش بوده و در واقع خود آن‌ها نیز نمی‌دانند با چه چیزی مخالفت می‌کنند. آن چه به نظر می‌رسد اهمیت دارد این است که انگیزه‌ها و علل موافقت‌ها و مخالفت‌ها بیان شوند نه این که صرفاً تأکید گردد که موافقان و مخالفان وجود دارند. قبل از بررسی ابعاد جهانی شدن نیاز است یک بررسی اجمالی نیز از دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جهانی شدن صورت گیرد.

در یادداشت‌ها و نوشته‌های پژوهشی و علمی مرتبط با جهانی شدن، تلاش‌های بسیاری برای ارائه سنخ‌شناسی‌های جامع جهت شناخت هرچه بهتر طیف‌های نظریه پردازان جهانی شدن به عمل آمده است (برای مثال نگاه کنید به Held and McGrew(2002)، Giddens(1999)، Waters(1998)، در مقدمه ترجمه کتاب یان کلارک، مهرعلیزاده [۱۸] و نظایر این‌ها). در این جا به دلیل رعایت اصل اختصار از بیان مفصل این طبقه‌بندی‌ها خودداری نموده و دسته بندی سلیمی [۱۹] را که به نظر می‌رسد تطابق بیشتری با محتوای مبحث تحقیق حاضر دارد، به طور مفید و مختصر بیان می‌کنیم. جدول (۱) را ملاحظه کنید.

جدول ۱- سنخ‌شناسی نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن

ردیف	نظریه پردازان	رویکرد کلی
۱	نظریه‌های لیبرال D. Held & A. McGrew در کنار F. Fukuyama, R. Koehane, J. Nye و K. Ohmae	جهانی شدن، به مثابه دگرگونی تدریجی همراه با گسترش لیبرال دموکراسی است. آن‌ها معتقدند که یک دگرگونی تدریجی در بنیاد روابط اجتماعی در عرصه جهانی در حال وقوع بوده که سرانجام آن گسترش هر چه بیشتر اقتصاد بازار آزاد و دموکراسی است. توجه شود که منظور از لیبرال، یک برجسب ایدئولوژیک نیست بلکه منظور این است که به تدریج روابط و تعاملات اقتصاد آزاد جایگزین روابط قهرآمیز می‌شوند.
۲	نظریه‌های واقع‌گرا و نقد جهانی شدن: K. Waltz; R. Gilpin; S. Krasner; P. Hirst & G. Thompson	این دسته نظریه‌ها به وجود جهانی شدن یا نو بودن آن با دیده‌ی تردید نگریسته و نظریه‌های جهانی شدن را اغراق‌آمیز دانسته‌اند.
۳	نظریه‌های مارکسیستی و نقد بعد استثمارگرایانه جهانی شدن: S. Amin; I. Wallerstien; J. Habermas	از میان حجم انبوه ادبیات موجود، این سه نظریه پرداز نمایندگان گرایش‌های متنوع مارکسیستی هستند. Amin نماینده منتقدان شدید و انقلابی فراگردهای جهانی است؛ Wallerstien نماینده نظریه‌های موسوم به نظام جهانی است و Habermas بازمانده و میراث دار سنت مکتب فرانکفورت بوده که نه فقط جامعه سرمایه‌داری بلکه خود مارکسیسم کلاسیک را نیز به چالش می‌کشد.
۴	نگرش‌های جامعه‌شناختی: A. Giddens; R. Robertson; M. Albrow; M. Waters	جهانی شدن به مثابه تحول ماهیت روابط اجتماعی؛ این نگرش جامعه‌شناختی نه به معنای کلاسیک آن بلکه به این معنی که نظریه پردازان جهانی شدن را در بطن و جوهره پدیده‌های اجتماعی می‌جویند. آنان جهانی شدن را تغییر بنیادهای زندگی اجتماعی بشر دانسته و عصر جهانی را عصر پایان تفکیک‌های کلاسیک میان دانش‌های مختلف می‌دانند.

همان‌طور که سلیمی نیز اشاره می‌کند، به جدول (۱) می‌توان نظریه‌های دیگری نیز اضافه نمود ولی به هر حال توجه به این که هر روزه در این باب جبهه جدیدی گشوده شده و همچنین نظریه‌های فوق به نوعی کلیت بحث را در خود دارند، به همین اندازه بسنده می‌شود و علاقمندان می‌توانند به منابع

اشاره شده مراجعه کنند.

نکته جالبی که در طول مطالعات بارها بدان برخورد شد این است که درصد قابل توجهی از محققان در رویارویی با جهانی شدن توصیه به اعتدال و میانه روی نموده‌اند. برای مثال پیتر برگر [۲۰] می‌گوید «واژه جهانی شدن در گفتمان‌های عمومی از

حالتی احساسی مملو شده است. برای برخی جهانی شدن نوید جامعه‌ای را می‌دهد که شامل دموکراتیزه شدن و صلح جهانی است و برای دیگران نیز مفهومی به جز مواجه شدن با تهدید برتری طلبی سیاسی و اقتصادی امریکایی همراه با عواقب فرهنگی آن نیست ... هم تهدیدات این چنانی و هم نویدهای آن چنانی، هر دو اغراقی بیش نیست». یا در مقدمه کتاب ملیت در جهان بی‌هویت، مترجم در معرفی دکتر حسین کامل بهال‌الدین، نویسنده کتاب می‌گوید «نویسنده با این باور که جهانی شدن واقعیتی است فرا روی همگان ... نه تسلیم محض را به صلاح می‌داند و نه مقابله منفی و انزوا را کارساز می‌شمارد. او عقیده دارد که باید آگاهانه، فعالانه و با آمادگی و پویایی کامل با پدیده جهانی شدن مواجه شد» [۲۱]. اما مشکل این است که همه خود و روشی را که در پیش گرفته‌اند را متعادل و مناسب دانسته و دیگران را افراطی و تفریطی می‌دانند. به هر حال در تحلیل این پدیده و در چنین فضایی باید دقت بسیاری نمود تا از فروغلتیدن در دام تعصبات اجتناب شود. جهانی شدن را نباید فرصتی محض برای شمال و تهدیدی مطلق برای جنوب دانست و جالب است که بیشترین و جدی‌ترین مخالفت‌ها و تظاهرات بر علیه جهانی شدن در کشورهای شمال رخ داده است [۲۱]. نه‌اوندیان [۲۳] هم معتقد است: «منتقدان جهانی شدن به ویژه در ابعاد فرهنگی آن منحصر به اندیشمندان کشورهای فقیر و کم‌رشد نیست بلکه در دنیای صنعتی و به خصوص امریکا و ژاپن نیز مقاومت‌ها و مخالفت‌های جدی ... وجود داشته است».

ابعاد اقتصادی جهانی شدن

از آن جا که تحقیق حاضر رویکردی اقتصادی دارد، این بعد از تحلیل‌ها بیشتر مورد توجه خواهد بود. اعتقاد بسیاری از نظریه‌پردازان این حوزه بر آن است که پدیده جهانی شدن در اصل با محوریت اقتصاد آغاز گردیده است. به زعم بهکیش [۷] پنج مشخصه زیر را می‌توان شاخص‌های جهانی شدن دانست:

- ادغام (Integration) وسیع و عمیق اقتصادهای ملی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم و جریان‌های دیگر سرمایه.

- افزایش فعالیت و سیال شدن بازارهای سرمایه بین‌المللی.
- شفاف شدن تمایز بین فعالیت‌های تولیدی و خدماتی که در نتیجه اهمیت اطلاعات و ادغام الکترونیکی افراد است، بنگاه‌ها و بازارها را افزایش داده است.
- کامپیوتری (دیجیتالی) شدن اقتصاد و حرکت از مواد به تجارت اطلاعات همراه با حرکت بازارها از فضای جغرافیایی به جهان فضایی.
- فشرده‌گی زمان - فضا، آگاهی همزمان از اتفاقات، روندها و ایده‌ها در بخش‌های مختلف جهان حداقل در میان فرهیختگان دنیای پیشرفته.

بهال‌الدین [۲۱] جهانی شدن را با عنوان امپراطوری الکترونیک می‌خواند و معتقد است این امپراطوری شرایط مشخصی دارد: خصوصی‌سازی همه شرکت‌های داخلی، آزاد سازی بازرگانی داخلی و خارجی، برداشتن موانع گمرکی، مهار تراکم [جمعیت]، رفع هر گونه مانع بر سرمایه‌گذاری خارجی، آزاد سازی بازارهای مالی، آزادی حق مالکیت برای خارجیان، برداشتن یارانه، آزاد کردن نظام بیمه و بازنشستگی و سپردن آن به بخش خصوصی، پذیرفتن نظام حسابرسی و بازرسی زیر نظر سازمان‌های جهانی.

همچنین کمیسیون جهانی بررسی ابعاد اجتماعی جهانی شدن [۳۴] و ویژگی‌های اصلی جهانی شدن را چنین بر می‌شمارد:

تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آزاد سازی مالی، تکنولوژی، ارتباطات متقابل، محیط سیاست‌گذاری، بافت نهادی: نظام تجاری چند جانبه، مذاکرات WTO، نظام‌های تولید جهانی، نظام مالی جهانی.

دو روند مهم در میان شاخص‌های فوق که جهانی شدن اقتصاد را نشان می‌دهند به ترتیب واردات و صادرات تجاری (بر حسب درصد تولید ناخالص داخلی) و جریان‌های خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (بر حسب درصد تولید ناخالص داخلی) بوده که هر دو روند نشان دهنده مسیر رو به رشدی در جهانی شدن اقتصاد هستند [۲۴]. این دو شاخص در کنار سایر ابزارهای جهانی شدن روندی را نشان می‌دهند که می‌توان آن را جهانی شدن اقتصاد نامید. بهکیش [۷] ابزارهای جهانی شدن

اقتصاد (تجارت بین الملل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سایر جریان‌های سرمایه، بین‌المللی شدن تولید به کمک فعالیت شرکت‌های چند ملیتی، پیشرفت‌های تکنولوژیک و تبادل تکنولوژی) را توضیح می‌دهد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که عوامل فوق منجر به تحولی شگرف و عظیم در اقتصادهای ملی شده به گونه‌ای که اطلاق این لفظ تا حدودی منسوخ شده و اقتصاد جهانی را جایگزین آن نموده است. از این مرحله تا توسعه واقعی تجارت و جلب سرمایه‌گذاری خارجی راهی بس دشوار و پیچیده قرار دارد. برای مثال نتایج یک تحقیق [۲۵] از ۸۳ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۳ نشان می‌دهد ثبات حاکمیت، (عدم فساد و تنش‌های مذهبی و قومی قبیله‌ای، پاسخگویی دموکراتیک حاکمیت و کیفیت دیوان سالاری از جمله مهم‌ترین عوامل سیاسی تعیین کننده جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (یعنی تصمیم شرکت‌های چند ملیتی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه) هستند.

برآیند تحولات اقتصادی جهانی شدن منجر به بروز چالش (فرصت یا تهدید) بنیادین خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه شده است و چالش «رقابت» در سطح جهان مطرح است. بنگاه‌های اقتصادی امروز دیگر با رقابت‌های سنتی و محلی در حیطه مرزهای ملی مواجهه نبوده و اینک خود را در معرض تنوعی از رقبای بین‌المللی و جهانی می‌بینند. این وضعیت مهم‌ترین محور جهانی شدن یعنی افزایش رقابت در سطح جهانی را تبیین می‌کند و جهانی شدن از طریق رقابت‌پذیری با اقتصاد ملی ارتباط پیدا می‌کند. رقابت‌پذیری عامل موثر در گستره وسیعی از مفاهیم اقتصادی نظیر خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، مکانیزم قیمت، اقتصاد داخلی، سیاست‌گذاری دولت، انعطاف در بازار کار، حذف انحصارها، همچنین تامین مالی و مواردی مانند زیرساخت‌های اجتماعی، تحقیق و توسعه، کیفیت نیروی انسانی، کیفیت مدیریت و نظایر این‌ها است [۷]. بنابراین سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران جهانی شدن قبل از هر گونه برنامه‌ریزی اقتصادی باید ساختار رقابت در صنعت‌های گوناگون را به خوبی شناسایی نموده و وضعیت عمومی آن را تشخیص

دهند. نقش دولت‌ها در گسترش رقابت‌پذیری بسیار با اهمیت بوده و آن‌ها می‌توانند از مجاری زیر به تشویق رقابت بپردازند: سیاست‌گذاری، ایجاد محیط دوستانه کسب و کار، برقراری بازار و قانون کار منعطف، ایجاد زیرساخت رقابت سالم از طریق حذف انحصارها و ایجاد دموکراسی و آزادی‌های سیاسی [۷].

علی‌رغم چنین نقش با اهمیتی، دولت و سیاست‌گذاران ایران متأسفانه زمین‌گیر ادراکات تئوریک در باب رقابت‌پذیری باقی مانده‌اند. چنان که بهکیش [۷] می‌گوید: «کشور ما ... با ادامه سیاست‌های درون‌نگر بسیار دیرتر از هم‌اوردان خود به فکر ورود به عرصه بین‌المللی افتاد. در حالی که کشورهای دیگر چون کره جنوبی، چین، برزیل، مکزیک و برخی دیگر به سرعت رقابت کردن را می‌آموختند کشور ما در بحث مزایا و معایب رقابت‌پذیری درگیر ماند و ... هنوز درگیر بحث‌های اولیه آن هستیم».

به هر حال اگر جامعه‌ای خواهان استفاده از امکانات جهانی برای رشد و توسعه است، می‌باید در نظم موجود جهانی مشارکت کند و نقشی عمده در تقسیم کار جهانی ایفا نماید. انجام چنین مسئولیتی، دیگر با سیاست‌های حمایتی و درون‌نگرانه امکان‌پذیر نیست. این سیاست‌ها در مقابل پیوستن به کاروان جهانی شدن قرار داشته [۷] و به جای آن‌ها باید مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه سیاست‌های برون‌گرایانه را اتخاذ نمود. در این زمینه بهکیش [۷] معتقد است: «بسیاری از این کشورها متوجه عدم کارایی سیاست جایگزینی واردات [به عنوان سیاستی درون‌نگر و مخالف جهانی شدن] گشته و در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با برنامه‌های اصلاحات اقتصادی نظیر کاهش محدودیت‌های مقداری واردات و نرخ‌های تعرفه، حرکت به سمت برقراری تجارت آزاد، تعیین نرخ ارز از طریق نیروهای بازار، کاهش اقدامات ضد صادرات، اصلاح ساختارهای تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کاهش نظارت مستقیم بر قیمت و توزیع و نیز سپردن آن‌ها به نیروهای بازار، کاهش مالکیت دولت بر واحدهای اقتصادی و حمایت از فعالیت‌های بخش خصوصی اقداماتی را انجام داده‌اند». وی نتیجه می‌گیرد «اتخاذ سیاست‌های همگرایانه با جهانی شدن از سوی سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه تأثیرات متفاوتی داشته است. درحالی که این سیاست‌ها در برخی

کشورها مانند کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور موجب ارتقاء اقتصاد این کشورها در سطح کشورهای توسعه یافته گشته است اما در برخی از کشورهای در حال توسعه دیگر نظیر برخی کشورهای افریقایی و امریکای لاتین اتخاذ این سیاست‌های برون‌نگر نه تنها موجب کسب نتایج مطلوب نشد بلکه باعث گردید به حاشیه اقتصاد جهانی رانده شوند». شواهد ذکر شده موید این واقعیت‌اند که توانایی کشورها برای بهره‌گیری از منافع جهانی شدن بسیار متفاوت است و در نهایت برخی برنده و برخی دیگر بازنده خواهند بود. اما به نظر می‌رسد در کشور ما که سیاست‌گذاران عموماً دیدگاه ضد همگرایی با جهانی شدن دارند، فقط جنبه منفی و پیامدهای نامطلوب آن اطلاع رسانی و تبلیغ می‌شود و به طور کلی نیمه خالی لیوان در معرض عموم قرار می‌گیرد. در حالی که شواهد نشان می‌دهند در مواردی که مخالفان علیه جهانی شدن بیان می‌کنند، نظریه جامع و اثبات شده‌ای وجود ندارد.

جهت جمع‌بندی به نظر می‌رسد اتخاذ دو سیاست بسیار کلان جایگزینی واردات و توسعه صادرات دو تقریباً نسبتاً مناسب جهت برآورد رویکرد کلی عدم همگرایی یا همگرایی با جهانی شدن در میان سیاست‌گذاران جوامع در حال توسعه باشد. به عبارت بهتر، با توجه به خصوصیات و ابعاد فکری و اجرایی این دو خط‌مشی بسیار کلان، سیاست‌گذاران کشورهای گوناگون بسته به نوع طرز تلقی و شناختی که از وضع جامعه و اولویت‌های راهبردی آن دارند، تلاش می‌کنند مسیر توسعه اقتصادی جامعه را انتخاب کنند. به‌عکس [۷] معتقد است سیاست توسعه صادرات پیش زمینه جهانی شدن بوده و یکی از علل رشد جهانی شدن طی دو دهه گذشته گسترش همین تفکر در میان سیاستمداران (سیاست‌گذاران) کشورهای در حال توسعه بوده است. در جدول (۲) به طور خلاصه ابعاد و ویژگی‌های این دو سیاست کلان توسعه آمده است.

جدول ۲- مقایسه دو خط‌مشی کلان در توسعه اقتصادی

همگرایی با جهانی شدن	عدم همگرایی با جهانی شدن
خط‌مشی توسعه صادرات (Export Promotion)	خط‌مشی جایگزینی واردات (Import Substitution)
سیاست برون‌نگر	سیاست درون‌نگر
قدیمی (در میان جوامع توسعه یافته) و در حال رشد	قدیمی (در میان جوامع در حال توسعه) و تقریباً منسوخ
بیشتر مورد توجه خط‌مشی‌گذاران جوامع توسعه یافته و تازه صنعتی شده	بیشتر مورد توجه خط‌مشی‌گذاران جوامع در حال توسعه
نشأت گرفته از اعتقاد به قانون بده-بستان (Trade-Off)	نشأت گرفته از نوعی بدبینی به جوامع پیشرو در جهانی شدن
توجه خط‌مشی‌گذاران به تقسیم کار بین‌المللی	توجه خط‌مشی‌گذاران به خودکفایی ملی و خوداتکایی
محوریت بازار در اقتصاد	محوریت دولت در اقتصاد
کاهش یافتن نقش‌های برنامه‌ریزی و اجرایی حکومت در اقتصاد و افزایش نقش‌های نظارتی از طریق مشارکت شبکه خط‌مشی در برنامه‌ریزی و استفاده هر چه بیشتر از ابزارهای داوطلبانه:	اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری بالای حکومت و دخالت گسترده در اقتصاد جهت برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل خط‌مشی‌ها و مخصوصاً بکارگیری وسیع ابزارهای اجباری: افزایش و گسترش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای
کاهش موانع تعرفه‌ای و حذف موانع غیرتعرفه‌ای	نظام‌های ارزی چند نرخ
نظام‌های ارزی آزاد و تک نرخ	تقویت سیستم توزیع دولتی
عدم وجود یا محدودیت سیستم توزیع دولتی	انواع معافیت‌های مالیاتی
حمایت‌های محدود و موقتی	مشارکت و سرمایه‌گذاری مستقیم دولت در طرح‌های تحقیق و توسعه
	اعطای انواع تسهیلات و اعتبارات با بهره بانکی اندک
	تقبل هزینه‌های آموزشی متخصصان از سوی دولت
	حمایت‌های بسیار طولانی مدت و نا محدود
تلاش خط‌مشی‌گذاران برای تولید محصولات خاص دارای مزیت نسبی توسط بخش	تلاش خط‌مشی‌گذاران برای تولید انواع کالاها و خدمات در سطح ملی توسط بخش

عدم همگرایی با جهانی شدن	همگرایی با جهانی شدن
دولتی	غیردولتی
متاثر شدن تراز بازرگانی خارجی از جانب واردات و بخش دولتی	متاثر شدن تراز بازرگانی خارجی از جانب صادرات و بخش غیردولتی
کسب درآمد دولتی عمدتاً از جانب تعرفه‌ها، عوارض گمرکی، سود بازرگانی، فروش نفت و نظایر این‌ها	کسب درآمد دولتی عمدتاً از مالیات
عدم اعتقاد خطمشی گذاران به تجارت آزاد	اتکا و اعتقاد خطمشی گذاران به تجارت آزاد
خطمشی گذاران توجه بیشتری به تهدیدها دارند	خطمشی گذاران توجه بیشتری به فرصت‌ها دارند
برآورد بسیار بالا از نقاط قوت داخلی و تخمین هیچ یا اندک نقاط ضعف	اعتقاد به نقاط قوت وضعف نسبی در داخل
دسترسی شهروندان به محصولات با قیمت‌های بالاتر	دسترسی شهروندان به محصولات با قیمت‌های پایین‌تر
عدم انگیزه بنگاه‌ها برای رقابت	تشدید رقابت میان بنگاه‌های تولیدی
امکان اندک جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	امکان زیاد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (به دلیل آزادسازی اقتصاد)
امکان بالاتر برای رانت خواری و منفعت طلبی از سوی نزدیکان به دولت	امکان کمتر برای رانت خواری و منفعت طلبی از سوی نزدیکان به دولت

منفعت شده‌اند. برای مثال با استفاده از شواهد تجربی، کشور چین را مطرح می‌نماید که ظهور طبقه متوسط جدید جهانی از دل طبقه فقیر مطلق نمونه‌ای از این انتفاع می‌باشد.

فیلیپ لگرین [۲۷] نیز با ذکر شواهدی معتقد است جهانی شدن نه تنها موجب فقر نمی‌شود و نشده است بلکه جهانی شدن تنها راه گریز از فقر است. ... او با ذکر نتایج تحقیقی می‌گوید «استانداردهای زندگی در کشورهای درحال توسعه جهانی شده طی ۱۴ سال دو برابر می‌شوند در حالی که این فراگرد در کشورهای جهانی نشده ۵۰ سال به طول می‌انجامد. ... ویتنام مثال خوبی از سود بردن فقرا از جهانی شدن است. کره جنوبی، تایوان، تایلند، چین، سنگاپور، اندونزی، مالزی و هند مثال‌هایی از جهانی شدن موفق می‌باشند. بسیار جالب است که بدانیم کره شمالی در سال ۱۹۶۰ دو برابر ثروتمندتر از همسایه جنوبی خود بود و کره جنوبی از بیشتر کشورها در افریقا فقیرتر بود. اما در سال ۱۹۹۶ کره جنوبی [آن قدر قدرت یافت که] به OECD پیوست».

بدیهی است که موارد ناموفقی هم از جهانی شدن وجود دارد اما تاکید بر این است که همه چیز بستگی به قابلیت‌ها، توانایی‌ها و اراده سیاست‌گذاران دارد. در کشورهایی که ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هماهنگی لازم را با منطق جهانی شدن نداشته باشند ... نقش مدیریت و توانمندی مدیران کشور [سیاست‌گذاران] از هر عامل دیگری در نوع، ماهیت، چگونگی و

بنابراین ملاحظه می‌شود بسته به رویکردی که سیاست‌گذاران ملی در قبال جهانی شدن دارند، می‌توان تفاوت‌های اساسی در سیاست‌های اتخاذ شده را ملاحظه نمود. این نکته نیز نباید فراموش شود که در جدول فوق قضاوتی برای موفقیت یا شکست محتوم و از پیش نوشته شده‌ای برای هر کدام از سیاست‌ها در نظر گرفته نشده است. ولی به طور کلی چنین به نظر می‌رسد اتخاذ سیاست‌های برون‌گرایانه نسبت به سیاست‌های درون‌گرایانه از موفقیت نسبی بیشتری برخوردار بوده است. به عنوان نمونه مخالفان جهانی شدن تشدید فقر و نابرابری را از جمله علل مخالفت خود و اتخاذ سیاست‌های درون‌گرایانه بیان می‌کنند. ضمن این که باید گفت که این بیانات کلی‌گویی است و تعریف فقر در کشورهای مختلف، متفاوت بوده و در نهایت یک امر نسبی است [۷]، کمیسیون جهانی بررسی ابعاد اجتماعی جهانی شدن [۲۴] چنین می‌گوید «ما اذعان می‌کنیم جهانی شدن در را به روی منافع بسیار گشوده است ... در بسیاری از نقاط جهان نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی شکوفا شده است. در شرق آسیا تنها طی یک دهه رشد (اقتصادی) بیش از ۲۰۰ میلیون نفر را از فقر نجات داده است». یا در یک تحقیق دیگر برای بررسی نابرابری در سطح جهانی [۲۶] معتقد است که اگر چه افزایش مصرف در اثر جهانی شدن بیشتر به نفع جوامع توسعه یافته بوده است اما بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز از آن

درجه‌بندی پیوستن به فراگرد جهانی شدن تعیین کننده‌تر است [۸].

رویکردی کاستی گرایانه و ساده انگارانه شود؛ چرا که تفکیک کامل ابعاد سیاسی از ابعاد اقتصادی و فرهنگی جامعه هرگز امکان‌پذیر نیست.

۶. ابعاد سیاسی جهانی شدن

جهانی شدن تأثیرات سیاسی بسیاری بر جوامع مختلف گذاشته است و این تأثیرات در سطوح متفاوتی در جوامع دیده شده است. برای مثال قوام [۲۲] می‌گوید: «در عصر جهانی شدن برخی از معیارهای توسعه یافتگی در دوران جنگ سرد که در چارچوب ملی و جداگانه در نظر گرفته می‌شد، بی اعتبار شده‌اند و به جای آن توسعه یافتگی بر اساس گشودن باب گفتگو با دیگران، برقراری ارتباط با فضای مجازی، دسترسی به بازارهای جدید، کسب و پردازش اطلاعات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد». اما می‌توان محوریت این تأثیرات را در بحث حاکمیت ملی ملاحظه نمود و تحلیل‌ها را از این بعد تبیین کرد. نکته مورد تاکید نویسندگان این است که نباید این تقسیم‌بندی‌ها منجر به

بسیاری از نظریه‌پردازان جهانی شدن به این نکته اذعان نموده‌اند که پدیده جهانی شدن بر حاکمیت‌های ملی تأثیر داشته است اما هیچ‌گونه اتفاق نظر عمومی در این باب وجود ندارد. در حالی که جهان‌گرایان افراطی معتقد به زوال تدریجی حاکمیت‌های ملی هستند برخی نیز معتقدند دولت‌ها همچنان مهم‌ترین بازیگران عرصه جهانی بوده و خواهند بود. در دسته اول کار تا جایی پیش رفت که در دهه ۱۹۹۰ تز حاکمیت بدون دولت برای اولین بار در تئوری روابط بین‌الملل ارائه شد [۲۸]. در میان این دو طیف، نظرات بسیار متنوعی وجود دارد و به طور کلی نمی‌توان حکمی در این باب صادر نمود. جهت اختصار در جدول (۳) برخی از نظرات ارائه می‌گردند.

جدول ۳- جهانی شدن و حاکمیت ملی

ردیف	محقق و نظریه پرداز	جهانی شدن و حاکمیت دولت
۱	بهالدین (۱۳۸۴)	جهانی شدن موجب تضعیف نهادهای دموکراتیک [از جمله دولت منتخب] می‌شود.
۲	کلارک (۱۳۸۶)	دولت در برابر جهانی شدن فاعل (subject) یا منفعل (object) نبوده بلکه رابطه‌ای متقابلاً قوام‌بخش و تکوین کننده (mutually constractive) بین جهانی شدن و دولت وجود دارد که در قالب آن دگرگونی هم در عرصه جهانی شدن و هم در دولت به طور هم زمان اتفاق می‌افتد.
۳	Weiss (1998)	انتقاد از این که آن چه اکنون به یک امر رایج تبدیل شده، دوره جدیدی از انکار دولت (denial state) است.
۴	Poggi (1990)	تصدیق می‌کند که دولت‌ها در عصر جهانی شدن همچنان به صورت پیشگامان سیاسی باقی می‌مانند.
۵	Thomas (1997)	جهانی شدن به طور گسترده اشاره به فراگردی دارد که به موجب آن قدرت در تاسیسات جامعه جهانی قرار گرفته و بیشتر از طریق شبکه‌های جهانی عرضه می‌شود تا از طریق دولت‌های مبتنی بر سرزمین.
۶	Cerny (1996)	جهانی شدن همان گونه که فراگردی بین‌المللی و فراملی است، فراگردی داخلی هم هست [اشاره به اهمیت وجود دولت در اداره نمودن جهانی شدن]
۷	Jorgenson and Burns (2007)	همگام با نظریه پردازانی چون Robinson(2004) و Sklair(2001) که معتقدند جهانی شدن موجب افزایش نسبی قدرت شرکت‌های جهانی (Global Corporations) و کاهش قدرت حکومت‌های ملی شده است و بنابراین این دو تغییر موجب شده‌اند دولت ملی (Nation-State) به عنوان واحد تحلیل به طور فزاینده ای محدود شود.
۸	Scholte (1997)	سرمایه جهانی شونده معاصر نه تنها موجب به چالش کشیده شدن بقا دولت‌ها می‌شود بلکه تحقق دموکراسی را با تهدید مواجه می‌کند.
۹	Albrow (1996)	جهانی شدن تهدیدی است برای عقیده امریکایی نظم جهانی که باید نظمی مبتنی بر دولت- ملت باشد.
۱۰	کمیسیون جهانی بررسی ابعاد اجتماعی جهانی شدن (۱۳۸۴)	در تشریح زمینه‌های مشترک میان مشارکت‌کنندگان در تحقیق یکی از زمینه‌های اشتراک را چنین بیان می‌کند: تعریف نقش تازه برای دولت با تکیه بر حاکمیت قانون و نهادهای مردم سالار و همکاری و مشارکت دیگر کنشگران اجتماعی؛ جهانی شدن دولت را بیش از پیش تضعیف کرده است.

ردیف	محقق و نظریه پرداز	جهانی شدن و حاکمیت دولت
۱۱	ثابتی در مقدمه مترجم (کتاب هلد و مک گرو)	قدرت دولت‌های ملی به شدت کاهش یافته است و هر چند هنوز نقش مهمی دارند اما باید برای مراکز قدرت جدید از جمله شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌های همگانی جای باز کند.
۱۲	هلد و مک گرو (۱۳۸۲)	افزایش تحرک سرمایه که ناشی از توسعه بازارهای مالی جهانی است، موازنه قدرت میان بازارها و دولت‌ها را جابجا می‌کند و فشار شدیدی بر دولت‌ها به منظور توسعه سیاست‌های دوستدار بازار (market-friendly policies) وارد می‌کند.
۱۳	مولر (۱۳۸۴)	تأثیرهای دراز مدت جهانی شدن انحصار قدرت دولت مدرن در قلمرو کشور را محدود خواهند کرد.
۱۴	مهر علی زاده (۱۳۸۳)	یکی از نتایج جهانی شدن تضعیف قدرت دولت‌های ملی است.
۱۵	لگرین (۱۳۸۲)	واقعیت این است که شرکت‌ها کنترل جهان را در دست ندارند... و دولت‌ها، شرکت‌ها را با وضع قوانین و خط‌مشی‌ها کنترل می‌کنند.
۱۶	سریع‌القلم (۱۳۸۴)	ورود در عرصه جهانی شدن دامنه حاکمیت ملی کشورها را تقلیل می‌دهد.
۱۷	قوام (۱۳۸۳)	از دیگر آثار جهانی شدن که عمدتاً جوامع توسعه یافته صنعتی را تحت تأثیر قرار داده افزایش روز افزون ده‌ها بازیگر غیرحکومتی و سهامی شدن آن‌ها در اقتدار و تصمیم‌گیری‌های حکومتی است.

همگرایی با پدیده جهانی شدن دارد.

۷. ابعاد فرهنگی جهانی شدن

اگر چه بحث فرهنگ به طور مستقیم ارتباط موضوعی با تحقیق حاضر ندارد و همان طور که کچوئیان [۲۹] نظریه جهانی شدن را در اصل اندیشه‌ای متعلق به حوزه اقتصاد و سیاست بین‌الملل می‌داند و نه جامعه‌شناسی، و همچنین بر این عقیده است «جامعه‌شناسان در ایجاد یک تحول اساسی جهانی شدن را به حوزه فرهنگ گسترش دادند» [۲۸]؛ اما به لحاظ چالش‌هایی که جهانی شدن فرهنگ به دنبال داشته و تأثیرات متقابل آن در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی به وضوح دیده می‌شود، در این جا اشاره‌ای کوتاه به مهم‌ترین محور آن شده و مابقی به علاقمندان به مطالعات این حوزه سپرده می‌شود.

جهانی شدن حوزه فرهنگ شاید تنها حیطه‌ای از چالش‌ها باشد که میان اندیشمندان و متفکران دو دنیای توسعه یافتگان و در حال توسعه‌ها دغدغه‌های مشابهی را ایجاد کرده است. به عبارت بهتر، در هر دو فضا نگرانی‌های عمیقی از چالش‌ها و تهدیدهایی مبنی بر تهاجم و زوال هنجارها، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات بومی و محلی وجود دارد. برای مثال کمیسیون جهانی بررسی ابعاد اجتماعی جهانی شدن [۲۴] یکی از زمینه‌های مشترک میان شرکت‌کنندگان در تحقیق را تأثیر و تهدید علیه فرهنگ و هویت بومی و نهادهای سنتی مانند خانواده و مدرسه مشخص می‌کند. به

به جدول فوق می‌توان آرا و نظرات دیگری نیز از اندیشمندان و محققان حوزه سیاست و جهانی شدن اضافه نمود؛ اما نکته‌ای که قوام در جدول بیان می‌کند بسیار اساسی است، این که بسیاری از تهدیدات جهانی شدن، حاکمیت‌های ملی جوامع توسعه یافته را بیشتر مورد چالش قرار می‌دهد؛ که همگی ساختاری دموکراتیک دارند. هر چند توجه به این امر نیز بسیار اساسی است که چنین قضیه‌ای هنوز از سوی بسیاری نظریه‌پردازان با تردیدهای جدی مواجه است. به هر حال در جوامع در حال توسعه‌ای که از لحاظ ساختارهای سیاسی دارای کانون‌های قدرت متمرکزی هستند، جهانی شدن به سختی می‌تواند تأثیر چندانی بر این ساختار وارد نماید مگر در حوزه‌هایی خاص نظیر اقتصاد و بازرگانی. برای مثال قوام [۲۲] می‌گوید: «عربستان، در حالی است که از همراهی با امواج اقتصاد جهانی ابایی ندارد به شدت در مقابل ایده‌های سیاسی و فرهنگی جهانی شدن واکنش نشان می‌دهد».

به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران جامعه ایران که در پی رفع فقر و ایجاد رونق و گشایش در امور مردم جامعه و توسعه سطح معیشتی طبقات ضعیف و انتقال آن‌ها به طبقات متوسط جامعه هستند، در چنین وضعیتی، می‌توانند کشور عربستان را مدل مناسب و مشابهی برای الگو برداری، جهت تعامل با نیروهای جهانی شدن، انتخاب نمایند. کشوری که ساختار سیاسی خود را با موفقیت حفظ نموده و در حوزه اقتصادی نیز مراودات مناسبی در

هر روی ایران یک کشور درحال توسعه است و بنابراین همان طور که قبلاً نیز اشاره شد محور بحث، وضعیت کشورهای در حال توسعه است. به دو بیان زیر توجه کنید:

۱. کچوئیان [۲۹] ضمن پیوند زدن جهانی شدن با مدرنیته، چنین می‌گوید: «طی حدود ۲۰۰ سال، غرب موفق می‌شود با تخریب ساختارهای غیرغربی در جهان وارد مرحله اخیر توسعه خود یعنی جهانی شدن شود که متناسب با آن نظریه جهانی شدن را نیز ابداع می‌کند. اگر فراگرد طولانی مدت غربی کردن سببانه جهان وجود نمی‌داشت، غرب و تجدد نمی‌توانست شرایطی را در جهان به وجود آورد که به اعتبار آن از جهانی شدن سخن بگوید».

۲. امین [۳۰] جهانی شدن را همان گسترش جهانی نظام سرمایه‌داری می‌داند [۱۸] و معتقد است: «امپریالیسم مرحله‌ای از نظام سرمایه‌داری، حتی بالاترین مرحله آن نیست. تسخیر امپریالیستی کره خاکی از سوی اروپایی‌ها و فرزندان امریکای شمالی آنان در دو مرحله به اجرا درآمد و اکنون شاید وارد مرحله سوم خود می‌شود. نخستین مرحله این تعرض ویرانگرانه در چارچوب نظام سرمایه‌داری سوداگر اروپایی حوزه اطلس آن زمان، حول تسخیر امریکا (شمالی، جنوبی و مرکزی) سازمان یافت. نتیجه نهایی آن تخریب تمدن‌های سرخپوستان و اسپانیایی کردن و مسیحی کردن آنان یا به طور ساده قتل عام عیاری بود که بر روی ویرانه‌های آن ایالات متحده ساخته شد. علت این که همین الگو در جاهای دیگر یعنی در استرالیا در تاسمانی ... و در زلاندنو هم تکرار شد، نژاد پرستی بنیادی استعمارگران انگلوساکسون بود ... دومین مرحله ویرانگری امپریالیستی بر انقلاب صنعتی مبتنی بود و خود را در قالب انقیاد استعماری آسیا و آفریقا بروز داد. گشودن بازارها ... ربودن و تصاحب منابع طبیعی جهان ... انگیزه‌های واقعی این تعرض را تشکیل می‌دادند. [در این موج سوم] هدف‌های سرمایه مسلط همان هدف‌های گذشته است (کنترل جریان گسترش بازارها، غارت منابع طبیعی کره زمین و استثمار ذخایر کار مناطق پیرامونی). ... و این بار آن را بر یک وظیفه مداخله مبتنی

ساخته‌اند که مثلاً با عذر دفاع از دموکراسی و حقوق مردم و انسان‌گرایی توجیه می‌شود».

نظرات فوق چه از زبان یک پژوهشگر از یک جامعه مذهبی گفته شود و چه در بیان مارکسیستی که مذهب را افیون توده‌ها می‌پندارد، بیاید؛ و این که جهانی شدن را از بعد توسعه مدرنیته یا گسترش نظام سرمایه‌داری ببینیم؛ نشان می‌دهند که مخالفان جهانی شدن از بعد فرهنگی تا چه اندازه سرسخت و در عین حال ناهمگون هستند. تعاریف مربوط به جهانی شدن بسیار گسترده‌اند اما از بعد فرهنگی، برخی تحقیقات تأثیرگذار توانسته‌اند تا حدودی مفهوم جهانی شدن را از ابعاد کمی و کیفی به «افزایش تراکم ارتباطات (پیوندها) و همچنین تغییرات اساسی در الگوهای این ارتباطات در میان بازیگران مختلف اعم از افراد، سازمان‌ها، ملت‌ها و کشورها فراتر از مرزهای ملی و فرهنگی» محدود نمایند [۱۰]. واقعیت این است که جهانی شدن به مدد توسعه بی‌سابقه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، چالش عظیم و شگرفی را با عنوان چالش ارتباطات و همبستگی‌های متقابل به دنبال آورده است. Cohen [۳۱] معتقد است جهانی شدن در کنار توسعه فناوری‌های پیشرفته ارتباطات از راه دور، موجب شده است که مردم با مفاهیم، موضوعات، نام‌ها، مکان‌ها و فراگردهای بیشتری فراتر از زمینه‌های سنتی ملی یا محلی موجود مواجه شوند. این سطح از ارتباطات که در مقایسه با گذشته به لحاظ سطح، عمق و قیمت بی‌سابقه بوده است، موجب گشته نه تنها در حوزه فرهنگ، بلکه در سایر حوزه‌های اقتصادی و سیاسی چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری پیش روی سیاست‌گذاران جوامع اعم از توسعه یافته و در حال توسعه قرار گیرد. در این وضعیت نیز می‌توان دیدگاه دو دسته از اندیشمندان و دست‌اندرکاران حوزه جهانی شدن را در مخالفت و موافقت شناسایی نمود. به طور کلی به نظر می‌رسد که در مورد ایران، سیاست‌گذاران غالباً در جبهه مخالفان یا شکاکان [۳۵] قرار گرفته و به ویژه از دیدگاه فرهنگی، جهانی شدن را عموماً پروژه تهاجم فرهنگی غرب و به ویژه امریکا تلقی کنند. در این که جهانی شدن پروژه‌ای از پیش تعریف شده بوده و همان غربی شدن و امریکایی شدن است، اختلاف نظرهای گوناگونی وجود دارد. به قول لگرین [۲۷] در کل

می‌توان گفت ائتلافی ناهمگون از بنیادگرایان مذهبی و مارکسیست‌ها (سنتی و نو) که در اقلیت هم قرار دارند با جهانی شدن مخالفت نموده و موافق این ایده هستند که جهانی شدن یعنی غربی و امریکایی شدن. اما برخی دیگر نیز با این نظر که جهانی شدن پروژه‌ای از پیش تعریف شده است، مخالفند. سریع‌القلم [۸] می‌گوید: «ایده‌آلیسم سیاسی و نوستالژی تاریخی که در منطقه خاورمیانه فوق‌العاده قوی است، مانع از فهم دقیق زمان معاصر [جهانی شدن] شده است (نقل شده از Ajami, 1999). ... در این کشورها سیاستمداران اغلب افراد ایده‌آلیستی بودند و دیدگاه‌های قدیمی نسبت به حاکمیت ملی داشتند. ... جهانی شدن نمی‌تواند یک توطئه باشد بلکه نتیجه صدها بلکه هزاران کار، فکر، ابداع و تعادل است که البته بیشتر در کشورهای صنعتی صورت گرفته است». قوام [۲۲] نیز رویکرد غربی دانستن جهانی شدن را نوعی کاستی‌گرایی می‌داند: «... برخی کشورهای جنوب با برخوردی تقلیل‌گرایانه جهانی شدن را به صورت تعدیل ساختار اقتصادی خویش بر اساس الگوی صندوق بین‌المللی پول و نیز بانک جهانی توصیف کرده و گاه با آن به مثابه امپریالیسم فرهنگی و اقتصادی دهه ۱۹۷۰ برخورد می‌نمایند. این برخورد با

پدیده جهانی شدن غیر واقع بینانه است. ... قبل از ورود به روند جدید جهانی شدن، میان ایدئولوژی و قدرت رابطه معنادار وجود داشت. در این شرایط تقلیل‌گرایی یک راه سریع و فضیلت تلقی شده است در حالی که پس از پایان جنگ سرد این نوع نگرش به منزله ناقص دیدن واقعیت‌ها تلقی می‌شود. زیرا اصولاً ایدئولوژی‌ها تقلیل‌گرا و حقیقت‌محورند که همین امر سبب می‌شود تا با رویدادهای جهانی برخوردی هنجاری گردد».

در تحلیلی نسبتاً جامع از نظریه‌های مختلف درباره جهانی شدن و فرهنگ و در دیدگاهی بالاتر از غربی شدن فرهنگ، برای پاسخ به این سوال که آیا جهانی شدن سبب یکسان شدن و همسانی فرهنگ‌ها شده یا به غنای بیشتر آن‌ها و چندگونگی کمک می‌نماید، دو تن از صاحب نظران مشهور حوزه مطالعات جهانی شدن، برگر و هانتینگتون، مجموعه مقالاتی را عموماً حول محور مقاله [۳۲] در کتاب چند جهانی شدن [۳۶] گردآوری و ویرایش نموده‌اند که ترجمه آن در دسترس است. در این جا جهت رعایت اختصار فقط نتایج این تحقیقات آورده شده و علاقمندان می‌توانند برای اطلاعات بیشتر و همچنین معادل‌های انگلیسی به منبع اصلی مراجعه نمایند.

جدول ۸- جهانی شدن و تأثیرات فرهنگی

ردیف	عنوان مقاله (تحقیق)	محقق یا محققان	کشور مورد مطالعه	نتیجه‌گیری
۱	افول سکولاریسم	پیتر ال برگر	جوامع مختلف	نویسنده با ذکر نمونه‌هایی از ژاپن، چین، مهندسین بنگلور هند، کلیساهای آفریقایی (AICs) نتیجه می‌گیرد که این ایده که جهانی شدن به همسانی شدن می‌انجامد، ایده پوچی بیش نیست؛
۲	جهانی شدن اداره شده: قدرت حکومت و گذار فرهنگی در چین	یون ژیانگ یان	چین	ایده کلی مقاله این است که جهانی شدن ممکن است موجب برخی تغییرات در فرهنگ جهانی و همسانی شود (با ذکر جمله‌ای از رهبر چین Deng Xiaoping مبنی بر این که: زمانی که پنجره‌ها باز می‌شوند همه گونه حشرات داخل می‌شوند) اما کشور چین باید ابتکار عمل را به دست گرفته و این همسانی را «چینی» نماید. نویسنده مقاله با نقل از Xinwu & Huadong (1996) می‌گوید: اگر فرهنگی سبب توسعه اقتصادی و بهبود در شاخص‌های زندگی ملل دیگر شود این فرهنگ باید در اختیار همه جوامع انسانی قرار بگیرد ... در این زمینه احتیاجی نیست بپرسیم که آیا سازه‌های این فرهنگ به سوسیالیسم تعلق دارد یا به سرمایه‌داری؛
۳	هم‌زیستی و سنتز: جهانی شدن فرهنگی و بومی‌گرایی در تایوان	زین هوآنگ و مایکل زیائو	تایوان	اصلاً چنین چیزی نیست که جهانی شدن شامل پافشاری قوی بر یکسان شدن می‌شود تا جایی که هویت‌ها، فرهنگ‌ها و آداب محلی مورد تهدید قرار گرفته و حتی از میان بروند. ... در تایوان به طور کلی رویارویی میان جهانی شدن و بومی شدن سبب فروپاشی یا برخورد

ردیف	عنوان مقاله (تحقیق)	محقق یا محققان	کشور مورد مطالعه	نتیجه گیری
	معاصر			جدی فرهنگی نگردیده است و شواهد عینی در این زمینه وجود ندارد؛
۴	جنبه‌های جهانی شدن در ژاپن امروز	Tamotsu Aoki	ژاپن	پذیرش جهانی شدن در ژاپن به همگون شدن منجر نشده است بلکه به صورت پویایی توسعه پیدا کرد که به پیدایش گوناگونی و چند قطبی بودن خارق العاده‌ای انجامید؛
۵	میعادی با سرنوشت: جهانی شدن فرهنگی در هندوستان	تولاسی سری نیواس	هند	این پژوهش نشان نشان می‌دهد که [در برابر جهانی شدن] کشورهای هم‌چون هندوستان که دارای فرهنگ و تمدن عمیق هستند توانایی اشاعه فرهنگی و همچنین ساخت بالقوه جایگزین نوین گرای modernization را دارند. ولی نوعی خودآگاهی فرهنگی نیز در این میان برای کشور یا تمدنی که بخواهد مقام «منتشر کننده فرهنگی» را کسب کند لازم است؛
۶	جهانی شدن فرهنگی در آلمان	هانسفرید کلر و هانس گیورگ سوفر	آلمان	این مقاله در واقع توسط محققانی غربی نگاشته شده که طبیعتاً اشاره مستقیمی به ارزش‌ها و فرهنگ غرب و یکسان نمودن این ارزش‌ها در سطح جهان نمی‌کنند و فقط بیان می‌دارند که جامعه امروز آلمان به این ارزش‌ها پایبند است؛
۷	جهانی شدن، فرهنگ و توسعه: آیا افریقای جنوبی می‌تواند چیزی بیش از مشتقی از غرب باشد؟	آن برنشتاین	افریقای جنوبی	این تحقیق به طور کلی نشان می‌دهد که جامعه افریقای جنوبی تا حدودی تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته و آن را پذیرفته است. اما در پایان به این نکته اشاره می‌کند که کشورهای خارج از غرب هم (مانند هند که از لحاظ فرهنگی غنی هستند) توانایی نفوذ به فرهنگی جهانی را دارند و ... این روند در آینده تشدید خواهد شد؛
۸	روندهای جهانی شدن در شیلی	آرتور فونتنین تالورا	شیلی	نویسنده معتقد به دوگانگی در پذیرش فرهنگ همسان جهانی شدن در جامعه شیلی است. به زعم وی بازرگانان و مدیران کسب و کارها تا حدودی فرهنگ غربی را در حوزه فعالیت‌های اقتصادی پذیرفته‌اند اما در عین حال به مذهب راغب بوده و به سنت‌های خانوادگی اعتقاد دارند و نتیجه کلی که او می‌گیرد بر عدم همسانی و همگونی فرهنگ بر اثر جهانی شدن تأکید دارد؛
۹	جهانی شدن فرهنگی در ترکیه: بازیگران، گفت‌وگوها و استراتژی‌ها	ارگون اوز بودن و ای فوات کیمان	ترکیه	نویسنده با تشریح تحولات نهادی در جامعه ترکیه نتیجه می‌گیرد نشانه‌های روشنی از هم آرایی و همزیستی میان اسلام و شیوه اندیشه مبتنی بر بازار آزاد وجود دارد. [به عبارت دیگر می‌توان هم مسلمان بود و هم از روش‌های غربی برای فعالیت‌های اقتصادی بهره‌گیری نمود]
۱۰	پیشاهنگ جهانی شدن: دنیای جهانی‌کنندگان امریکایی	جیمز دیویسن هانت و جاشوا یاتیز	امریکا	نویسندگان این مقاله از اصلیتی برخوردارند که به نوعی متهم ردیف اول همه مناقشات جهانی شدن و همسان شدن فرهنگی به شمار می‌رود. این دو با بی‌تفاوتی اشاره کوتاهی به این اتهام کرده اما با زیرکی و به طور غیرمستقیم این شبهه را مطرح می‌کنند که شاید خود امریکایی‌ها چنین تصویری را ایجاد نموده‌اند [که جهانی شدن یعنی امریکایی شدن و همسان شدن فرهنگ‌ها با فرهنگ این جامعه]!!

خوردن، کواکولا نوشیدن، کارتون والت دیسنی تماشا کردن، انگلیسی فرا گرفتن، موسیقی پاپ گوش کردن و مانند این‌ها را غربی شدن و همسان شدن فرهنگی بر اثر جهانی شدن نامید.

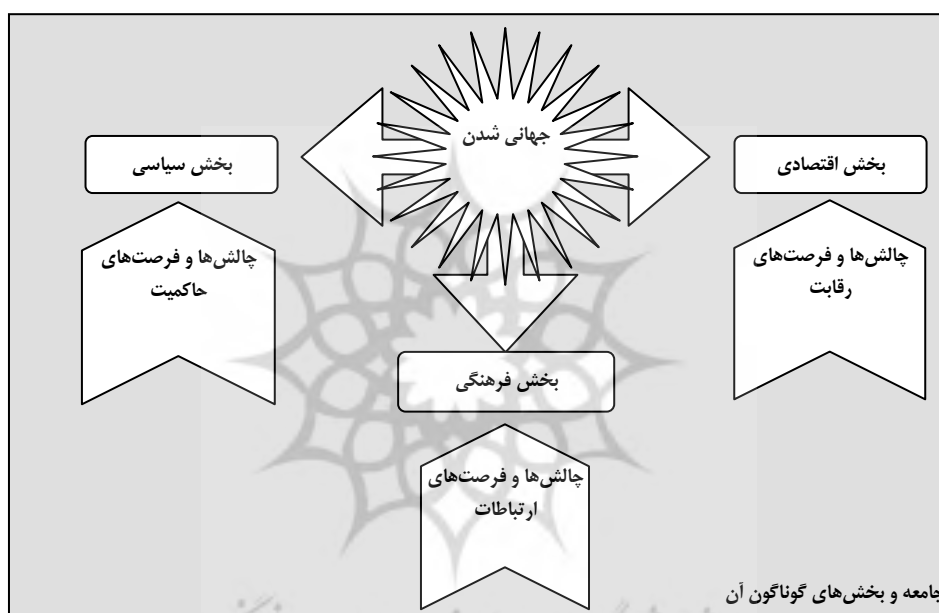
جمع‌بندی و ملاحظات

جهت جمع‌بندی و ارائه یک الگوی کلی درباره چالش‌های

نتیجه‌گیری کلی که می‌توان از این مباحث نمود این است که جهانی شدن به ندرت می‌تواند موجب همسان شدن فرهنگ‌ها (در شکل غربی و امریکایی) گردد و اگر چنین احساسی دیده می‌شود می‌باید در برداشتها و رویکرد خود بازنگری نموده و تعاریف از این همسانی را به روشنی بیان گردند. به نظر می‌رسد به سختی می‌توان مظاهری از قبیل جین پوشیدن، همبرگر مک دونالد

جهانی شدن، می‌توان اثرات آن را در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی طبقه‌بندی نمود. با توجه به موارد ذکر شده در فوق می‌توان گفت که جهانی شدن در هر سه حوزه چالش‌هایی (چه برای کشورهای توسعه یافته و چه برای کشورهای در حال توسعه) را به همراه داشته است و نمی‌توان قاعده‌ای کلی و جهان‌شمول (برای مثال، بر این مضمون که آثار جهانی شدن فقط فرصت‌های محض برای توسعه یافتگان و تهدیدهای مطلق برای جوامع در حال توسعه بوده است) را ارائه نمود. این چالش‌ها در حوزه اقتصادی عموماً حول محور رقابت جهانی، در حوزه سیاسی متمرکز

بر حاکمیت جهانی و در حوزه فرهنگی، پیرامون ارتباطات جهانی می‌توانند طبقه‌بندی شوند. نمودار (۱) [۳۷] را ملاحظه کنید. به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران و مدیران جوامع توسعه یافته بهتر توانسته‌اند از این چالش‌ها به سوی منافع ملی خود بهره‌گیری نمایند. هر چند باید اذعان نمود که سیاست‌گذاران در کشورهای در حال توسعه هم می‌توانند (و توانسته‌اند) از چالش‌های به وجود آمده، حداکثر استفاده را بنمایند و این امر بستگی تام به قابلیت‌ها و توانایی‌های مدیریتی ایشان دارد و اگر چنین نیست به نظر می‌رسد در ابتدا باید به عوامل ذکر شده توجه نمود.



نمودار ۱- چالش‌ها (فرصت‌ها و تهدیدها) اساسی جهانی شدن در جوامع

توصیه‌های سیاستی

همان‌طور که ذکر گردید، جهانی شدن تأثیرات زیادی بر جوامع گوناگون بر جای نهاده است و این تأثیرها تا حدود زیادی نشأت گرفته از نحوه کنش و مدیریت مدیران آن جوامع بوده است. جهانی شدن فرصت محض یا تهدید مطلق نیست که «برندگان» و «بازندگان» ثابت و همیشگی داشته باشد. این‌که بتوان از فرصت‌های موجود چگونه بهره گرفت و یا تهدیدها را چگونه مدیریت نمود تا حدود زیادی به نحوه سیاست‌گذاری در

سطح ملی و در سطح بنگاه‌ها بستگی دارد. در این مقاله سه سیاست کلی پیشنهاد می‌شود که هر کدام با توجه به ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ارائه می‌شوند و جزئیات هر کدام در قالب جدول زیر بیان می‌گردند:

الف) سیاست همگرایی حداکثری با نیروهای اقتصادی جهانی شدن.

ب) سیاست همگرایی نسبی با نیروهای سیاسی جهانی شدن.

ج) همگرایی نسبی با نیروهای فرهنگی جهانی شدن.

راهکار اجرایی	پیشنهاد سیاستی	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> • تمرکز فراگرد سیاست‌گذاری تجاری با رویکرد توسعه صادرات؛ • توجه به جایگاه کشور در تقسیم کار جهانی و شناسایی مزیت‌های نسبی ملی در تولید کالاها و خدمات: اجمالاً هدایت سرمایه‌گذاری‌های دولتی و غیردولتی به بخش کشاورزی و غذایی، نفت و گاز (انرژی) و پتروشیمی، صنایع معدنی، جهانگردی و صنایع دستی، خدمات (آموزشی، مهندسی، پزشکی)، ترانزیت و برخی صنایع با فناوری سطح بالا مانند نانوفناوری و IT؛ • حداقل نمودن دخالت دولت در تنظیم قیمت‌ها و توجه به سازوکار عرضه و تقاضا؛ • حذف تدریجی موانع تعرفه‌ای؛ • حداقل نمودن موانع تعرفه‌ای؛ • برنامه‌ریزی برای خصوصی‌سازی و رقابت در مورد همه صنایع دولتی که محصولات غیرعمومی تولید می‌کنند نظیر خودروسازی، پتروشیمی، صنایع معدنی، بانکی، بیمه‌ای و مانند این‌ها؛ • تخصیص تسهیلات و سرمایه‌گذاری در صناعی که اولاً دولتی نیستند و ثانیاً پتانسیل صادراتی دارند نظیر صنایع تولید و فراوری در بخش کشاورزی، فرش، خدمات فنی و مهندسی، پتروشیمی؛ • پیگیری جدی مذاکرات پیوستن به WTO؛ • آزادسازی اقتصاد در ابعاد گوناگون تجاری، مالی، ارزی و سرمایه‌ای در میان مدت و بلندمدت؛ • کاهش سهم تولیدات دولتی در GDP با کاهش هزینه‌های دولت در مواردی نظیر واگذاری شرکت‌های دولتی به صورت رقابتی؛ • جلب سرمایه‌گذاری (مستقیم) خارجی با ارائه تسهیلاتی ارزشمند نظیر حق مالکیت زمین، جابجایی آزادانه اصل و فرع سرمایه و پرهیز از نگاه امنیتی به سرمایه‌گذار خارجی؛ • پذیرش رویه‌ها و استانداردهای بین‌المللی و جهانی و سازمان تجارت جهانی در تنظیم خط‌مشی‌ها، قوانین و مقررات بانکی و بیمه‌ای؛ • فراهم نمودن زمینه‌های حضور صنایع بخش غیردولتی در بازارهای جهانی از طریق سازوکارهای دیپلماتیک و الزام وزارت امور خارجه و سایر سازمان‌های مرتبط در همکاری همه جانبه با بخش خصوصی؛ • الگوگیری از کشورهای نظیر کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ، مالزی، اندونزی، هند، چین، برزیل، ترکیه و مانند این‌ها در توسعه تجارت. 	<p>همگرایی حداکثری با نیروهای اقتصادی جهانی شدن</p>	<p>۱</p>
<ul style="list-style-type: none"> • آگاه‌سازی و تعامل نزدیک وزارت بازرگانی و سایر نهادهای اقتصادی با نهادهای امنیتی و نظامی در مورد ابعاد جهانی پدیده امنیت و الزام به همکاری با همه کشورها در برقراری آن؛ • ارائه وجهه‌های مطلوب و با ثبات از اوضاع امنیتی کشور و تقلیل مجادلات و نزاع‌های سیاسی مخرب نظیر برخوردهای خشن با مقامات و مسئولان دولت‌های گذشته، روزنامه‌نگاران، فعالان اقتصادی و مردم؛ • تدوین سیاست‌ها و قوانین لازم مبنی بر پرهیز سازمان‌ها و نهادهای نظامی و امنیتی از مداخلات در امور اقتصادی و بازرگانی و به طور کلی تفکیک این دو حوزه از یکدیگر؛ • پرهیز از نگرش توطئه محور در تدوین سیاست‌های تجاری و تلاش برای برقراری روابط تجاری با کشورهای توسعه یافته به ویژه دولت ایالات متحده آمریکا؛ • درگیر نمودن و مشارکت دادن سازمان‌های بین دولتی مشروع به ویژه وابستگان سازمان ملل نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و شورای امنیت، سازمان تجارت جهانی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی تجاری به صورت برگزاری جلسات مشاوره‌ای منظم؛ ارجاع برخی از دعاوی مهم به این نهادها. 	<p>همگرایی نسبی با نیروهای سیاسی جهانی شدن</p>	<p>۲</p>
<ul style="list-style-type: none"> • بهبود زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نظیر افزایش پهنای باند، پرهیز از بروز اختلالات در این سیستم‌ها از طریق همکاری نزدیک با سازمان‌های مرتبط؛ • تعاملات ویژه با نهادهای فرهنگی به ویژه نهاد روحانیت و تلاش برای فراهم نمودن زمینه‌های توسعه تاریخی و مذهبی در تجارت خارجی؛ • پرهیز از اشاعه نگرش‌های مخرب به ثروت آفرینان و سرمایه‌داران در برنامه‌های رسانه‌ای؛ • اعتقاد به ایجاد فضای گفتگو و تعامل میان فرهنگ‌های گوناگون و احترام به ارزش‌ها و باورهای دیگر اقوام و ملل در تجارت خارجی. 	<p>همگرایی نسبی با نیروهای فرهنگی جهانی شدن</p>	<p>۳</p>

پی نوشت

۱. ناظم زاده ۱۳۸۷.

2. Laanti, Mika & Peter 2006, 1104,1105.

3. Bergh, Nilsson 2010, 1191.

4. Sjolander 1996

5. Tavares Samia 2007,1056.

6. Neumayer, Indra 2006,31

۷. بهکیش ۱۳۸۵، ۴۲-۴۰ و ۴۵ و ۱۹-۱۷ و ۲۶ و ۲۹ و ۲۵۵-۳۸۷ و ۳۶ و ۸۸ و ۱۷۸.

۸. سریع القلم ۱۳۸۴، ۲۶ و ۵۱ و ۴۰ و ۳۷.

9. Knight & Hugh 2007, 440.

10. Matei Sorin 2006, 317,319.

11. European Commission, 2001.

۱۲. غیائی ۱۳۸۹، ۵-۱.

13. Held, Goldblatt & Perraton, 1999, 2.

۱۴. جهانی شدن چیست ۱۳۸۷.

۱۵. حاجی پور ۱۳۹۱.

16. Njoh 2006, 19.

17. Peterson, Wunder & Mueller 1999, 16.

۱۸. مهرعلی زاده ۱۳۸۳، ۴۳.

۱۹. سلیمی ۱۳۸۶، ص ۲۳-۲۴ و ۱۹۲.

۲۰. برگر و ساموئل ۱۳۸۴، ۸.

۲۱. بهالدین ۱۳۸۴، ۴ و ۶۵.

۲۲. قوام ۱۳۸۳، ۱۸ و ۲۴ و ۲۵ و ۳۱ و ۲۸.

۲۳. نهاوندیان ۱۳۸۳، ۳۷.

۲۴. کمیسیون جهانی بررسی ابعاد اجتماعی جهانی شدن ۱۳۸۴،

۲۰-۲۹ و ۱۶.

25. Busse & Hefeker 2007, 412.

26. Edward 2006, 1667.

۲۷. لگرین ۱۳۸۲، ۱۲۱-۱۲۰ و ۷۷ و ۳۵.

28. Albareda 2008, 431.

۲۹. کچوئیان ۱۳۸۵، ۱۵ و ۴۲-۴۱.

۳۰. امین، پل سوئیزی و دیگران ۱۳۸۰، ۱۸-۱۳.

31. Cohen 1998, 447.

32. Berger 1997, 99-29.

۳۳. برای مثال نگاه کنید به:

Belk, 1996; Castells, 1996; Featherstone, 1990, 1995; Ger and Belk, 1996; Giddens, 2000; Held et al., 1999; Held and McGrew, 2002; Hirst and Thompson, 1996; Liebes and Katz, 1993; Robertson, 1992; Sklair, 2002; Waters, 1995.

۳۴. World Commission on the Social Dimension of Globalization این کمیسیون به درخواست سازمان ملل در سازمان بین‌المللی کار ILO (سال ۲۰۰۴) تشکیل گردید و تحقیق بسیار گسترده‌ای را در زمینه مرتبط انجام داد. برنامه وسیعی برای گفتگوها و مشاوره‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی تدوین گردید. شرکت‌کنندگان در این تحقیق بیش از ۲۰۰۰ نفر تصمیم‌گیرنده و کنشگر اجتماعی بودند که با مسایل جهانی شدن سروکار داشته و در میان آن‌ها وزراء، مدیران ارشد، سیاستمداران محلی و اعضای پارلمان‌ها، سازمان‌های زنان و بومیان، دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران از سراسر جهان حضور داشتند. نتایج این تحقیق منجر به تصویب قطعنامه‌ای در سازمان ملل با عنوان جهانی شدن منصفانه گردید.

۳۵. Sceptics؛ برای مثال حسن روحانی (۱۳۸۴:۹)، دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی، در مقدمه کتاب ایران و جهانی شدن، جهانی شدن را پدیده‌ای غیربرنامه‌ریزی شده اما هدایت شده می‌داند!

36. Many Globalizations: Cultural Diversing in the Contemporary World.

۳۷. این نمودار نشان می‌دهد که جهانی شدن در حوزه اقتصادی، چالش رقابت جهانی، در حوزه سیاسی، چالش حاکمیت جهانی و در حوزه فرهنگی چالش ارتباطات جهانی را به دنبال داشته است.

منابع

امین، سمیر، پل سوئیزی و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف؟، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۰.
برگر پیتروال و ساموئل یی هاتینگتون، چند جهانی شدن: گوناگونی فرهنگی در جهان کنونی (مجموعه مقالات)،

- Albareda Laura, "Corporate Responsibility, Governance and Accountability: From Self-Regulation to Co-Regulation", *Corporate Governance*, Vol. 8, No. 4, pp. 430-439, 2008.
- Berger Peter, "Four Faces of Global Culture", *National Interest*, 49, pp. 29-99, 1997.
- Bergh, Andreas, Nilsson, Therese, "Good for Living? On the Relationship between Globalization and Life Expectancy", *Journal of World Development*, p 1191, 2010.
- Busse Matthias and Carsten Hefeker, "Political Risk, Institutions and Foreign Direct Investment", *European Journal of Political Economy*, 23, pp. 397° 415, 2007.
- Cohen, A. A. , "Between Content and Cognition: On the Impossibility of Television News", *Communications*, 23(4.),pp 447° 461, 1998.
- Edward; Peter , Examining Inequality: Who Really Benefits from Global Growth? *World Development* , Vol. 34, No. 10, pp. 1667° 1695, 2006.
- European Commission , Green Paper: Promoting a European Framework for Corporate Social Responsibility , Communications, 366-end, Brussels ,2001.
- Held D.; A. McGrew; D. Goldblatt and J. Perraton , *Global Transformations*, Oxford: Polity, 1999.
- <http://www.aftabir.com>
- <http://www.gilan-plant-protect.blogfa.com>
- <http://www.news.parseek.com>
- <http://www.tebyan.net>
- Knight, David and Hugh Willmott , *Introducing Organizational Behavior and Management*, London: Thomson Learning, 2007.
- Laanti A , Riku, Mika, Gabrielsson b, Gabrielsson, Peter; "The Globalization Strategies of Business-to-Business Born Global Firms in the Wireless Technology Industry", *Journal of Industrial Marketing Management*, pp 1104,1105, 2006.
- Matei Sorin, Adam; "Globalization and Heterogenization: Cultural and Civilizational Clustering in Telecommunicative Space 1989° 1999", *Telematics and Informatics*, 23, 316° 331, 2006.
- ترجمه لادن کیانمهر و علی کمالی، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- بهالدین، حسین کامل، ملیت در جهان بی هویت: چالش‌های جهانی شدن، ترجمه حجت رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- بهکیش، محمد مهدی اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
- جهانی شدن چیست؟؛ سایت آفتاب، ۱۳۸۷.
- حاجی پور، جهانی شدن زمینه بروز فرهنگ‌های جدید را فراهم می‌کند، خیرگزاری مهر، ۱۳۹۱.
- سریع‌القلم، محمود، ایران و جهانی شدن: چالش‌ها و راه حل‌ها، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- سلیمی، حسین، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- غیائی، رضا، خلاصه کتاب: جهانی شدن، اثر لستر تارو، ۱۳۸۹.
- قوام، سید عبدالعلی، جهانی شدن و جهان سوم: روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- کچوئیان، حسین، نظریه‌های جهانی شدن و دین: مطالعه‌ای انتقادی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- کمیسیون جهانی بررسی ابعاد اجتماعی جهانی شدن، جهانی شدن منصفانه: ایجاد فرصت برای همه، ترجمه عبدالاحد علیقلیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- لگرین، فیلیپ، جهان باز: واقعیت جهانی شدن، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- مهر علی زاده، یداله، جهانی سازی و نظام‌های آموزشی با تاکید بر کشور ایران، اهواز، نشر ریش، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ناظم زاده، فاطمه، جهانی شدن فرایند به هم وابستگی روزافزون ما، ۱۳۸۷.
- نهادوندیان، محمد، ما و جهانی شدن: پیش طرح شناخت و سیاست‌گذاری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برنامه ملی مطالعات جهانی شدن، چاپ اول، ۱۳۸۳.

- first Century, Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall, 1999.
- Sjolander C.T. "The Rhetoric of Globalization: What's in a World?", *International Journal*, 51(4) 1996.
- Tavares Samia Costa , "Do Rapid Political and Trade Liberalizations Increase Corruption?" *European Journal of Political Economy*, 23, pp. 1053° 1076, 2007.
- Neumayer, Eric and Indra De Soysa , Globalization and the Right to Free Association and Collective Bargaining: An Empirical Analysis, *World Development*, Vol. 34, No. 1, pp. 31° 49, 2006.
- Njoh Ambe J; African Cities and Regional Trade in Historical Perspective: Implications for contemporary Globalization Trends, *Cities*, Vol. 23, No. 1, p. 18° 29, 2006.
- Peterson R. D.; D. F. Wunder and H. L. Mueller , Social Problems: Globalization in the Twenty-

